

# درس خارج فقہ

## حضرت آیت اللہ صفائی بوشہری

### موضوع: غدیر

حوزه علمیه امام خمینی (ره) بوشہر

۱۸ / آبان ماہ / ۱۳۹۰

روابط عمومی دفتر نماینده ولی فقیہ در استان و امام جمعه بوشہر

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفته ولایت و امامت بر شما مبارک باشد و این نکته را توجه کنید که گذشته چراغ راه آینده است، گذشته کتاب آموزش آموزه‌های عبرت‌آموز برای فهم و موضع‌گیری صحیح در حال و آینده است. در حال حاضر تجلی ولایت‌مداری علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) در زمان خودش، در مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته العالیه) تحقق دارد و تخطی از آن حرام است، تخطی از ولایت مقام معظم رهبری حرام است و موجب عذاب اخروی است، این را تلقی و فتوای شرعی بدانید.

در حال حاضر جهان اسلام در حال کار بزرگی است و بازی‌های شیطنت‌آمیز سیاسی در هر رده‌ای که باشد تنقیصی در عرصه ولایت‌مداری ایجاد نکند، حرمت شرعی دارد و موجب عذاب اخروی است به همین خاطر، حوزه‌ها الحمدالله و مردم ولایت‌مدار با عبرت گرفتن از جریان‌های سیاسی صدر اسلام اکنون مطیع مقام معظم رهبری هستند و نخبگان و شخصیت‌ها اگر چنین نیستند باید نگاهی به صدر اسلام کنند و خودشان را در آیینه صدر اسلام ببینند و نگاه کنند که در چه جایگاهی قرار دارند، جزء قاسطین هستند در مارقین هستند در ساکتین هستند یا در ناکثین هستند، نکند خدای ناکرده انسان عمرش تمام شود ببیند در یکی از گروه‌های مخالف ولایت است و خودش نمی‌داند «إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» آن وقت فریاد بزند خدایا مرا برگرداند تا کار را درست بکنم اگر معاویه برگشت تو هم برمی‌گردی، اگر "مروان بن حکم" برگشت این آقا هم برمی‌گردد، اگر عمروعاص برگشت، اگر ابوموسی اشعری برگشت، اگر "عبدالله ابن وهب راسبی" برگشت، اگر "سعد ابن ابی وقاص" برگشت این آقایی که ادعای اصالت اندیشه و عمل در مقابل مقام معظم رهبری می‌کند برمی‌گردد و جبران می‌کند!

انسان باید عاقل باشد، عقل سیاسی داشته باشد، فریب اوائل نخورد، اوائل همیشه موجب فریب است، فکر عواقب باشد «الفکر فی العواقب ینجی من العتائب» به همین خاطر این دهه امامت که الحمدالله شروع شده است دهه آموزش آموزه‌های عبرت‌آموز سیاسی تاریخ اسلام است لذا انسان بنشیند فکر کند، اندیشه کند، ملاحظه کند، نکند هوای نفس، نکند خود برتر بینی، نکند تحلیل‌های غلط، دوستان ناباب، خط و جبهه ناصحیح و منحرف، فضای اندیشه و عمل انسان را چنان کند که آرام آرام از خط ولایت فاصله بگیرد و برسد به جایی که بعد از مدتی خودش را مقابل ولایت ببیند، ولی احساس نکند، یک باره ببیند «و کشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید» ببیند عجب، دیگر کار از کار گذشته است.

دهه امامت، دهه آموزش آموزه‌های عبرت‌آموز سیاست است. چقدر خوب است که انسان در فضای زندگی خود بنشیند، تأمل کند، محاسبه کند، ملاحظه و بررسی کند شخصیت‌هایی را که در عرصه‌های مختلف کار سیاسی

انجام می‌دهند در صدر اسلام، و بعد از عملکرد آن‌ها اگر نورانی است تجربه کند و اگر نار است و سیاه، عبرت بگیرد و مواظبت کند. در تاریخ سیاسی اسلام هرگاه انسان در مقابل ولایت برای خود اصالت قائل شد ولو به اندازه یک دانه ارزن، این آغاز بیچارگی و بدبختی و مرگ سیاسی او است.

حسن بصری در بصره داشت وضو می‌گرفت، ایشان یکی از زهاد ثمانیه اهل سنت است، در وضو وسواس داشت و اصلاً انسان وسواسی‌ای بودند، در بصره بودند وقتی که اصحاب جمل به بصره حمله کردند به هیچ صورت کمک نکرد به فرماندار منصوب از طرف علی بن ابیطالب نماینده آقا، هیچ کمک نکرد، بلکه با سکوت خودش از اصحاب جمل حمایت کرد. آقا وقتی آمدند به بصره و اصحاب جمل را شکست دادند، در یک صحنه‌ای با حسن بصری مواجه شدند که داشت وضو می‌گرفت، در وضو و در طهارت وسواس داشت، بارها همین‌طور آب روی دست خودشان می‌ریختند، آقا علی بن ابیطالب یک نگاهی به ایشان کرد، نشست به بصره بود، گفت: چرا این همه آب می‌ریزی؟ او گردنش را بلند کرد (که خدا گردنش را بشکند) و گفت: تو چرا این همه خون می‌ریزی؟ شد آخرش این. کسی که در مقابل ولایت این‌طور سخن بگوید آخرت و عاقبتش این می‌شود، بیچاره می‌شود.

"عبدالله ابن وهب راسبی" می‌آمد خدمت امیر مؤمنان (ع) می‌گفت: من می‌گویم تو چه کاری انجام بده، امام علی (علیه‌السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: نمی‌دانم من امام هستم یا این‌ها امام هستند؟

آخر و عاقبت این افراد به اینجا رسید که به امام گفتند توبه کن، یعنی آن انحراف کوچک اول، به اینجا رسید که اول به امام می‌گفتند تو چه بکن و بعد به اینجا رسید که به آقا گفتند توبه کن! چرا جنگ کردید؟ توبه کن، با اهل صفین! این درحالی است که خود آن‌ها گفته بودند جنگ بکن، آنها عراقی و مخالف شامیان بودند، به خود آقا گفتند که جنگ بکن، آقا هم نه به خاطر حرف آن‌ها بلکه به خاطر آن عدم ولایتمداری معاویه اقدام کرد. بعد که جنگ شد دشمن آن‌ها را فریب داد این‌ها هم دیدند، آنها هم دیدند با هوای نفسشان آن صلح هم خوب است، دیدند به جایی می‌رسند، با جنگ به جایی نمی‌رسد با صلح به جایی می‌رسند. به آقا گفتند جنگ نکن!

این جریان قرآن به نیزه کردن، فکر نکنید که کار عمروعاص بود، این طرف در لشکر امیر مؤمنین آدم‌های قوی سیاسی بودند، این‌ها با هم بسته بودند که تو قرآن به نیزه کن ما می‌گوییم با قرآن نمی‌جنگیم، این‌ها اهل قرآن که نبودند، با هم تبانی کرده بودند، "عمروعاص" با "اشعث ابن قیس" تبانی کرده بود، گفته بود من از آن طرف قرآن به نیزه می‌کنم شما از آن طرف بگویید ما با قرآن نمی‌جنگیم، علیه امام تبانی کرده بودند. یک شرایطی برای امام درست کردند، امام می‌گفت: بجنگید، این‌ها می‌گفتند: نمی‌جنگیم. مالک‌اشتر می‌گفت: رفتم جلو، دارد تمام می‌شود، امام می‌گفتند برو، آن‌ها می‌گفتند برگرد، بعد از آنی که دید دارد کار خراب می‌شود و نصف لشکر امیرالمؤمنین برگشت کرده بودند به طرف خیمه امیرالمؤمنین، کار این‌طوری شده بود این داستان‌ها و این فیلم‌ها نشان نمی‌دهند، اصلاً نصف لشکر با شمشیر به طرف امیر مؤمنان برگشته بودند و اگر اقدام می‌کردند آن طرف

حمله می کردند به مالک اشتر، آقا سریع گفتند: مالک برگرد، وقتی برگشت این‌ها گفتند: چرا برگشت؟ چرا شما نگذاشتید جنگ شود؟ امام فرمودند: خودتان گفتید؟ آن‌ها گفتند: حالا ما یک غلطی کردیم! امام فرمودند: لشکر داشت دو تکه می شد و از بین می رفت و صلاح نبود، آن‌ها گفتند: تو باید درستش می کردی، همه از موضع تهاجم. بیچاره می کند انسان را که در مقابل امام روحیه تهاجمی داشته باشد، کاری کردند که امام وقتی که ضربت خوردند فرمودند: «فزت و رب الكعبه» راحت شدم، نه از دست مردم بلکه از دست خواص، خواص نادان، راحت شدم، دائماً می گویند چه بکن! چه بکن ... یکی نمی آید و بگوید چه می فرمایید، همه می گویند چه می خواهیم، این می شود دیگر!

**دهه ولایت و امامت، دهه آموزش ولایت مداری است و این را ما باید ملاحظه کنیم به ویژه روحانیت، باید ما این آموزه‌ها را درس دهیم و بیان کنیم که جامعه مبتلا نشود به اشتباهات صدر اسلام، نکند خدای ناکرده کسانی حرف هایی بزنند و ما ساکت باشیم، سکوت ما ایجاد انحراف می کند سکوت ما ایجاد توقف می کند، به همین خاطر باید حوزه‌های علمیه رسالت خود را در عرصه ولایت مداری انجام دهند، نه به سخن و اسم، بلکه با تمام وجود، دانش بنیان، علمی با مبانی فقه حکومتی و تحلیل‌های علمی، نقلی و فلسفه تاریخی، از ولایت دفاع کنند، از ذخیره خدا، مقام معظم رهبری دفاع کند، مقام معظم رهبری ذخیره خدا برای شرایط معاصر و برای جهان معاصر است.**

**ولایت مداری در این نیست که فقط حرف بزنیم و سخن بگوییم باید جان در این راه داد، مالک اشترها بودند، عمارها و یاسرها بود، قیس بن سعد بود، به خاطر شرایطی که پیش آمده بود آقا قیس بن سعد را از فرمانداری مصر عزل کرد، قیس بن سعد یک شخصیت بزرگ تاریخی است و انسان حتماً باید تاریخ زندگی این انسان را بخواند. ایشان فرزند "سعد بن عباد" هستند، سعد بن عباد بزرگ انصار بود که بعد در جریان خلافت دید به غیر از علی بن ابی طالب در صحنه آمده، بعد از پیامبر ادعای خلافت هم کرد، این سعد همان روزی که پدرش همچین ادعایی کرد، نهار با او نخورد، گفت: دیگر نهار خوردن در سفره با تو حرام است، به پدرش گفت: تو ادعایی می کنی در مقابل علی بن ابی طالب، با پدرش دیگر صحبت نمی کرد. در تمامی جریانات، موضعی که می گرفت موضع شفاف، صحیح، ولایت مدارانه و شجاعانه بود. ۲۵ سال کنار علی بن ابی طالب بود، وقتی آقا حاکم شد قیس را فرستاد به مصر. شرایطی پیش آمد که آقا گفت شما دیگر برگردید، شرایط بد شده است، ایشان را که برگرداند از مصر، همه فکر می کردند که ایشان دیگر می رود به مدینه و با علی بن ابی طالب قهر می کند و می گوید ما را عزل کرده است. آمد کوفه، خدمت آقا! شمشیر به دستش بود، گفت: آقا، من جان در راه تو دادم، هم قهر تو را می پسندم و هم صلح تو را می پسندم، هم نصب تو را می پسندم، هم عزل تو را می پسندم، این گردن را برای شما گذاشته‌ام، این‌هایی که می گویند قیس عزل شد و می رود به مدینه، اشتباه می کنند، می آید به کوفه و پاسبان کوچه علی بن ابی طالب می شود، ای رحمت خدا بر تو قیس ابن سعد!**

در جریان امام حسن مجتبی (ع) همه فریب خوردند، "قیس بن سعد" ایستاد، "عبیدالله بن عباس" پسر عموی امام حسن (ع) فریب خورد با پول، با وعده پست، اما قیس بن سعد ایستاد تا این که علی بن ابیطالب او را عزل کرد، ایستاد و دفاع از امام حسن مجتبی (ع) کرد، با ده هزار نفر مقابل صد هزار نفر لشکر معاویه، گفت: جانم فدای ولایت، جانم فدای علی بن ابی طالب، تا جان دارم با علی بن ابی طالب هستم. این اساس است، ولایت مداری این است که انسان در مقابل ولی، برای خودش اصالت فکر قائل نباشد، اصالت جان قائل نباشد، اصالت مال قائل نباشد، اصالت مقام قائل نباشد، به این می گویند شخصیت، نخبه، خواص و خواص بصیر، اینها است که ما باید در جامعه ترویج کنیم در جامعه تزریق کنیم، رسالت ما این است، به همین خاطر خداوند به همه حوزه‌ها، به همه ایران و به همه اسلام این موهبت را داده است، این موهبت الهی را داده است که این چنین در شرایط کنونی جهان اسلام متنعم است به وجود مبارک یک شخصیت از تبار فاطمه زهرا و علی بن ابی طالب که نماد اقتدار اسلامی و عزت علوی است مقام معظم رهبری، همه ما باید قدر بدانیم، حوزه‌ها باید قدر بدانند، مراجع باید قدر بدانند، روحانیت باید قدر بدانند، نخبگان باید قدر بدانند، دانشگاهیان باید قدر بدانند. **مقام معظم رهبری کسی است که افکارش سال‌ها از زمان جلوتر است و جهان سیاست اسلامی را مدیریت می‌کند.**

خدایا به حق حضرت زهرا طول عمر با عزت به مقام معظم رهبری مرحمت بفرما، و به همه ما توفیق رهروی راه علی بن ابی طالب و فرزندانش و معظم‌له عنایت بفرما. خدایا قسمت می‌هیم به مقربان درگاهت که سرزمین اسلامی را نجات عاجل عنایت بفرما، این فضایی که در جهان درست شده است را با ظهور آقا امام زمان هر چه زودتر نورانی به حکومت اسلامی جهانی بگردان.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»